



## مقصد ۶. آخرماه

پرونده تصویری ▲	۹۰
بازتاب ▲ حجره؛ خانه‌ای پر از اسرار	۹۲
نقد ▲ هر «زن»ی معتبر نیست!؟	۹۳
آخرنوشت ▲ چراغی به دست گرفته ایم	۹۴
اشتراک	۹۵



پرونده تصویری





## اجازه دهیم جوان به راحتی حرف‌هایش را بزند...

ساکت!»، گویا دارد کفر می‌گوید! جوان است. ذهن جوان، سیال است. افکار غلط و استدلال‌های نادرست، امروز در همه جای دنیا با توجه به روابط صوتی و تصویری ای که وجود دارد، گسترده است. جوان ما برایش سوال بوجود می‌آید. چه کسی باید این را برطرف کند؟ من و شما باید برطرف کنیم. اگر شما نروید و آن خلاء فکری را به شکل درست پر نکنید، یا آن سوال و اشکال را برطرف نکنید، کس دیگری می‌رود و به شکل غلط، جواب او را می‌گوید. روحانی باید با اندیشه ناب اسلامی از بهترینش، مستدل تریش و قوی تریش مجهز باشد.

برای ارتباط با مخاطب جوان، مهم برقراری یک ارتباط صمیمی است؛ تجربه نشان داده است که در یک فضای دوستانه، جوان به راحتی حرف می‌زند؛ دغدغه‌هایش را بیان می‌دارد و سفره دلش را باز می‌کند و بعد نوبت شماست که تک تک سوالات و گاه شبهات او را جواب دهید؛ رهبر معظم انقلاب ترسیم زیبایی از یک تبلیغ موثر در جامعه ای با مخاطب جوان بیامی کنید؛ بنگرید:

امروز جوانان ما، با ذهن سیال خودشان سوال‌هایی دارند، این سوال‌ها را نباید حمل بر ایرادگیری کنید؛ تا یک جوان سوالی کرد، بگوییم: «آقا

## حجره؛ خانه‌ای پر از اسرار

شنیده‌ای از علمای بزرگی که می‌گویند ما هرچه داریم از ایام حجره‌نشینی داریم. حجره را قدر بدانید که لحظه لحظه‌اش نور است و برکت.

و تو دیده‌ای حجره‌هایی که مملو از حق‌الناس است و النظافه من الایمان در قابلمه‌هایشان کپک‌زده! حجره‌های مملو از غیبت را شاید تا نیمه شب غیبت و فردا صبح غیبت! همین است که درس اخلاق بین نماز ظهر و عصر اول وقتشان مثل دروس ساعت هفت و هشت‌شان حذف شده.

چگونه اینها را کنار هم می‌گذاری؟ حجره‌هایی که چراغ‌شان تا بوق سگ روشن است و حجره‌هایی که با خروس خوان چراغ‌هایشان روشن می‌شود. چرا یکی در تاریکی‌اش نور است و آن یکی در چراغش ظلمات؟ در یکی خوابش عبادت و دیگری نمازش نوک زدن کلاغ بر زمین؟ که حجره همچنان حجره است و حجره‌نشینان اما ...

و تو آشفته‌ای که خدایا من در کدامین حجره به سر می‌برم؟ عزمت را جزم میکنی. تصمیم می‌گیری از امشب نمازت را اول وقت بخوانی. فقط و فقط به وصیت مرحوم قاضی، خودت را هم آماده می‌کنی که اگر به مقامات نرسیدی ایشان را - زبانم لال - لعن کنی!!! آری دوست داری به مقاماتی برسی که دعایت در حق حجره‌ات مستجاب شود.

دعایی که این شعر را سالیه به انتفاع موضوع کند:

روز و شب در پی آنم که چرا حجت حق

خیمه را امن‌تر از حجره ما می‌داند ...

■ منصور مقدمی

در حجره به صورت هم‌حجره‌ای‌ات خیره می‌شوی، وقتی همدفون در گوشش سعی می‌کند اهل را با لجه آمریکایی تلفظ کند. احسنت می‌گویی به طلبه‌ای پایه

بازتاب

سومی که نیت کرده اسلام را به عمق کفرستان‌ها بکشاند. وانگهی به اسفار سنگی دست آن یکی هم‌حجره‌ای‌ات می‌اندازی که روی زیلوی کنفی در آن گوشه حجره نشسته. خدا را شکر میکنی که دوستت پا جای پای علمای سلف گذارده و عزم دارد در علم خدمتی به حوزه کند که با آن در تمام خدمات حوزه به اسلام شریک شود. کتب روایی و ادبیاتی آن یکی هم‌حجره‌ای‌ات که الان برای شستن ظروف رفته را هم ور انداز میکنی و در حقش دعا می‌کنی. اول به خاطر این که به جای تو ظرف می‌شوید و بعد چون می‌خواهد اسلام را با زبان اهل بیت علیهم‌السلام و زبان روایت به مردم عرضه کند. بعد هم برای هر یک آینده‌ای تصور می‌کنی و هر یک را در جایگاهی می‌نگری. «الله یهدی من یشاء و یضل من یشاء» در ذممت زمزمه می‌شود که سرت را بالا می‌گیری که خدایا! عاقبت چه خواهد شد؟

آیا کسی این جا هست که من سی سال دیگر با افتخار بگویم: بله... ما سی سال پیش هم حجره‌ای حضرت آقای فلائی بودیم. یادش بخیر از همون وقتا معلوم بود که حضرت آقا آخرش ...

یا نه! بگویم: هه... روزگارو می‌بینی؟ من سی سال پیش با این مرتیکه هم‌حجره‌ای بودم... اون کجا رفتو ما کجارتیم؟! ای بابا... اصلا از همون اولم معلوم بود این یارو آخرش یه روزی ...

می‌دانی که این روزها تکرار نشدنی است. ایام منحصر به فرد حجره‌نشینی! ایام تلخ یا شیرین حجره‌نشینی!

مقصد ۶

آخرماه



## نقدی بر داستان ظن معتبر

نقد

اصولاً در نقد، منتقدان دچار اشتباه شده و وظیفهٔ بیان معایب را سنگین تر از مطرح کردن محاسن می‌بینند و به قولی، زیبایی اثر در نقدشان به قتل می‌رسد!! در این نقد سعی شده است به اندازهٔ توان، هر دو جنبه لحاظ شود.

داستان ظن معتبر نام خوب و رمزآلودی داشت و حس کنجکاوی مخاطب را برمی‌انگیخت. با قلم شیوایی نوشته شده بود و با توجه به اینکه نویسنده آقای مهدی شریفی - از جنس آقایان بودند، خوب توانسته بودند از پس داستان و لطایف آن بربایند. نویسنده در تصویرسازی هم موفق بوده است «نشان دادن خانم در چارچوب در مثل یک تابلوی نقاشی» یا بیان حالت‌های رفتاری خانم طلبه! آقای شریفی به راحتی با بیان کردن و ذکر تعابیر رایج در فضای حوزوی شالوده زندگی طلبگی را نشان داده بودند که مهارت نویسنده را در نوشتن داستان‌هایی با این فضا به رخ می‌کشد. نکتهٔ جالب توجه - به ویژه برای کسانی که از حال و هوای طلبگی دور هستند - ظرایف ارتباط عاطفی زندگی زناشویی یک طلبه است. نویسنده به راحتی در این فضا جولان داده و تا حدودی توانسته روحيات همسر یک طلبه را بیان کند، از جمله برانگیختن حس حسادت خانم به دلیل صرف بیشترین زمان مطالعه و پرداختن به درس و علاقه‌مند بودن به ارتباط دیداری هنگام صحبت کردن همسرش. زوایای دید هم خوب انتخاب شده است. من اول شخص، به راحتی می‌تواند بدون به تصویر کشیدن درونیات راوی، مخاطب را در جریان داستان قرار بدهد. اما نکتهٔ قابل ملاحظه، آوردن مطالبی است که ضرورت ندارد. یکی از قوانین داستان‌نویسی، بیان مطالبی است که در داستان کاربرد دارند. اینکه کاغذهای کاهی از کجا خریداری شده است - هر چند با پرداختی زیبا - وجودش در داستان بی‌فایده است و بود و نبود این گونه مطالب، جز اینکه موجب اطناب در داستان شود، کارایی ندارد. به نظر می‌رسد گره داستانی خوب چفت و بند نشده است. علت ناراحتی همسر طلبه برای مخاطب روشن



نیست. خانم طلبه از اینکه اجازهٔ مشاهد رفتن به او داده نمی‌شود، ناراحت است یا از برخورد ناگهانی همسرش و بی‌توجهی به او؟! هر دو اتفاق به یک اندازه پرداخته شده‌اند و این خود باعث سردرگمی مخاطب می‌شود. داستانی جذاب و خواندنی می‌شود که ابتدا گره و عدم تعادل را در مخاطب ایجاد کند. چه بهتر بود نویسنده یک اتفاق را محور قرار می‌داد و ماجرا حول محور همان اتفاق، روایت می‌شد. از جمله مسائلی که مطرح می‌شود، تعریف نادرست از یک زن در این داستان است. هر چند داستان کوتاه است، اما خانم طلبه جز نقش یک آشپز که قورمه‌سبزی بپزد، سطل اشغال را خالی کند، سفرهٔ صبحانه بیاندازد و لباس‌ها را بشوید، نقش دیگری ایفا نمی‌کند. نویسنده در این داستان، خانم یک طلبه را طوری نشان می‌دهد که او درک درستی از شغل همسرش ندارد و تازه سواد کم و بی‌اطلاعیش در داستان به عنوان طنز مطرح شود «هر «زن» بی‌معتبر نیست؟!» از وظایف یک نویسنده است که برداشت درست و شایسته‌ای را به تصویر بکشد.

در خاتمه باید به مرحلهٔ پایانی داستان نیز اشاره کرد: هر چند نویسنده پایان خوبی برای داستان پیدا کرده، اما اگر داستان کوتاه‌تر شده بود و از گرافه‌گویی‌ها پرهیز می‌شد، پایان داستان چشمگیرتر به نظر می‌رسید. ■ مونا اسکندری

مقصد ۶

آخرماه



## چراغی به دست گرفته ایم

حضرت امام صادق علیه السلام بسیارند؛ کمر همت بسته‌ایم که آشنا شویم و بهره بگیریم، یاریمان کنید که ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید، هم مگر پیش نهاد لطف شما گامی چند!

■ اگر قابل دانستید یک شماره «حاشیه» را موضوع مباحثه طلبگی خود قرار دهید و نقدش کنید، تلفن، پیامک، ایمیل و نامه شما طوطیای دیدگان ماست.

■ درد دلی خودمانی باقی مانده است: هر چه می‌دویم احساس می‌کنیم از سرعت بیداری شکوهمند اسلامی که اینک تمام منطقه را فرا گرفته است عقب می‌مانیم. مصر را پوشش می‌دهیم، بحرین و اردن قیام می‌شود. به بحرین می‌پردازیم، اسلامگرایان در تونس به اکثریت آراء رسیده‌اند... فردا نوبت کجاست؟ عالم در تکاپوست و جهان با شتاب نو به نو می‌شود. هنوز نیازها و خواست‌های برآمده از انقلاب اسلامی در ایران را به تمامی پاسخ نگفته‌ایم که امت‌های مسلمان منطقه به اسلام پناه آورده‌اند و قانون اساسی کشورهای اسلامی یکی پس از دیگری بناست بر اساس اصول مقدس اسلام تدوین شود. اگر سال‌ها پیش چنین روزی را باور داشتیم و برنامه‌ریزی کرده بودیم، امروز برای بسیاری از نیازهای خاورمیانه جدید پس از میدان التحریر یگانه مرجع پاسخگویی بودیم. فردا با چه رویدادهای و نیازهایی روبرو خواهیم شد؟ فرزند زمان خویش بودن چگونه ممکن است و چگونه می‌توان از زمانه پیش افتاد؟

■ یاد آن پیر روشن ضمیر حضرت امام روح‌الله موسوی خمینی بخیر! روزگاری که هیچ مرد جهان‌دیده‌ای حضور عالم‌گیر اسلام را حتی در آینه نمی‌دید، او رویدادهای سال‌های هنوز نیامده را در خشت خام مشاهده می‌کرد و به امتی برخاسته از اسلام ناب محمدی، نوید نصرت جاودانی اسلام را می‌داد.

**محمد علی روزبهانی** ■ بسم الله الرحمن الرحیم، هو الاول و الاخر و الظاهر و الباطن، دعا کنید اول و آخر و ظاهر و باطن «حاشیه» برای او باشد.

آخر  
نوشت

■ حوزه‌های علمیه جهان اسلام پتانسیل انتشار ده‌ها نشریه و مجله فرهنگی، اجتماعی، علمی و سیاسی را دارا می‌باشند اما آنچه منتشر می‌شود به مراتب کمتر از آنچه باید باشد است. «حاشیه» مجله‌ایست برآمده از «متن» حوزه، برای حوزه، سه شماره است که راهی پرفراز و نشیب را آغاز نموده‌ایم و این متن، از این «حاشیه»‌ها بسیار می‌خواهد. ■ نویسندگان و اهل نظر روحانی در بسیاری از روزنامه‌ها و مجلات کشور قلم می‌زنند و حضور فعال ایشان بر وزانت مطبوعات کشور افزوده است. در این میان کمتر اتفاق افتاده که فضایی روحانی به صورت خاص برای هم مسلکان خویش روی به نگارش آورند. «حاشیه» بستری است برای این اتفاق مبارک. شماره به شماره نشان این بزرگواران را می‌جوئیم و بنا داریم هر شماره بر دامنه حضور ایشان بیفزاییم. اگر به طریقی صاحب قلمی را می‌شناسید از معرفی او به «حاشیه» دریغ نوزید که این یاریتان بسیار مغتنم است.

■ هنوز بسیاری از فضلا و بزرگان، علمای اخلاق و اساتید گرانقدر حوزه‌های علمیه در قم و شهرستان‌ها ناشناخته مانده‌اند. بسیاری که یک دنیا حرف شنیدنی دارند و یک دل پر از اسرار و یک سینه لبریز از تجربه. اگر گوهرشناس خوبی هستید پس درنگ نکنید و به «حاشیه» معرفی‌شان کنید تا دیگران نیز از هرم نفس‌هایشان بهره‌مند گردند.

■ چراغی به دست گرفته‌ایم و به هر اهل فضلی می‌رسیم نشان نشریه‌ای خودجوش و برآمده از حجره‌نشینان مخلص مدارس قم و شهرستان‌ها را می‌جوئیم. این رویش‌ها و این کارهای خالصانه در مکتب

مقصد ۶

آخر ماه

## فرم اشتراک

همراهان «حاشیه» قبل از پر کردن فرم اشتراک به نکات زیر توجه کنید:

- افزایش احتمالی قیمت نشریه شامل مشترکان نخواهد بود و در صورت انتشار ویژه نامه، ارسال آن برای مشترکان رایگان است.
- هزینه اشتراک را می‌توانید به شماره حساب ۸۰۰۰۰۸۰۹۲۲۹۰۰۵ بانک پارسیان-شعبه آرژانتین بنام پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به شماره کارت ۶۲۲۱۰۶۱۰۲۹۸۴۴۴۲۲ (قابل پرداخت در تمامی شعب بانک‌ها در سراسر کشور) واریز کنید.
- خواهشمند است پس از واریز وجه، اصل یا کپی فرم تکمیل شده زیر را به همراه فیش واریزی هزینه اشتراک، به نشانی قم، صندوق پستی ۱۷۹-۳۷۱۸۵ یا به نمابر ۰۲۵۱۷۶۰۲۹۹۷ ارسال فرمائید. همچنین می‌توانید با ارسال تصویر فیش پرداختی و یا شناسه پرداخت به آدرس پست الکترونیک نشریه (info@hashye.net) مشترک حاشیه شوید.
- امکان ثبت نام برای اشتراک در سایت نشریه نیز فراهم است. در این صورت نیازی به ثبت نام از طریق پست نخواهید داشت.
- ارسال نشریه برای درخواست هایی که بعد از دهم هر ماه به بخش مشترکین برسد، از شماره بعد آغاز خواهد شد.
- آدرس به طور کامل و خوانا نوشته شود و حتماً کد پستی ۱۰ رقمی قید شود.
- در صورت تغییر نشانی، امور مشترکین را مطلع کنید.
- هنگام تماس با سازمان امور مشترکین، کد اشتراک خود را به خاطر داشته باشید.
- مشترکین محترم می‌توانند برای هماهنگی و ارائه پیشنهادهای و انتقادهای خود از ساعت ۱۰ تا ۱۴ با ۰۲۵۱۷۶۰۳۵۷۱-۵ تماس بگیرند.

- نشریه با پست عادی ارسال می‌شود.
- به طلبه‌ای که برای اولین بار عضو مجله شود، یک شماره رایگان اهداء می‌گردد.
- هزینه اشتراک نشریه برای مخاطبان مختلف نشریه برای شش شماره شصت هزار ریال (با تخفیف ۴۲۰۰۰ ریال) و دوازده شماره صد و بیست هزار ریال (با تخفیف ۸۴۰۰۰ ریال) می‌باشد.
- ۱. مشترکین طلبه ۳۰ درصد تخفیف
- ۲. اساتید ۳۰ درصد تخفیف
- ۳. نهادها و ارگان‌های حوزوی ۳۰ درصد تخفیف
- ۴. کتابخانه‌ها و مدارس حوزوی ۳۰ درصد تخفیف

نام:

نام خانوادگی:

نام مدرسه / مؤسسه:

شغل:

تاریخ تولد: / /

نوع و میزان تحصیلات:

تلفن ثابت:

شماره تلفن همراه جهت دریافت پیامک:

رایانامه:

نمابر:

نشانی محل سکونت:

کد پستی:

صندوق پستی:

تعداد مورد تقاضای هر شماره:

اشتراک جدید

تمدید اشتراک

شناسه پرداخت:

مبلغ پرداختی: ریال

تاریخ پرداخت: / /



حاشیه

ماهنامه حاشیه

قم / صندوق پستی ۳۷۱۸۵-۱۷۹

پست جواب قبول

هزینه پستی بر اساس قرارداد شماره ۲۷-۳۷۱۸۴ پرداخت شده است  
لطفاً پس از تکمیل فرم آن را به داخل صندوق پست بیندازید

■ نشانی الکترونیک:

www.hashye.com

www.hashye.net

■ پست الکترونیک:

info@hashye.net